

## ساخت اطلاعاتی مفروض و استنباطی در قرآن کریم از منظر رویکرد زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا

بهمن گرجیان\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۵

فرنگیس عباس زاده\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۴

### چکیده

وجود سه ویژگی تاریخی، تطبیقی و میان رشته‌ای در زبان‌شناسی نوین باعث سرعت گسترش، تغییر و تحول آن به شمار می‌رود. زبان انتقال دهنده نقش اطلاعاتی و ساختار محتوایی هر کلام است. نقش وابستگی ارتباطی جملات که با توجه به نقش گفتمانی و تأثیرات بافتی آن‌ها مشخص گردیده برای درک پیام ضروری می‌باشند. هدف از تحقیق حاضر بررسی ساخت اطلاعاتی و موضوعی آیاتی چند از قرآن کریم با پیروی از نظریه نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی (۱۹۹۴) می‌باشد که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع دست اول (قرآن کریم) انجام شده است تا به بررسی چگونگی تأثیر انسجام ساختاری و پیوستگی معنایی آیات قرآن بپردازد. نتایج حاکی از آن است که تغییر جنبه مفهومی و معنایی ساختار، بستگی به ساخت اطلاعاتی گفتمان و عناصر ارتباطی آن است که با دگرگون ساختن نوع ساختار احتمالی تقویت می‌شود و این تغییرات با ابزارهای زبانی و سبکی، شکل درستی به خود می‌گیرد.

**کلیدواژگان:** زبان‌شناسی نقش‌گرا، ساخت اطلاعاتی، مجرای ارتباطی، گفتمان نوشتاری.

b.gorjian@iauabadan.ac.ir

\* دانشیار گروه زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

\*\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

farangisabbaszadeh@yahoo.com

نویسنده مسئول: بهمن گرجیان

## مقدمه

دیدگاه‌های ارتباطی و کاربردشناختی، علاوه بر توجه به جنبه‌های ادبی قرآن به حوزه‌های کلامی و گفتمانی در بافت موقعیتی می‌پردازد. در نظام ارتباطی انسان، بررسی در مورد ساختار یا واحدهای زبانی (واژه، گروه، جمله، متن، کلام) و نقش‌های خاص زبانی برای ایجاد گفتاری تأثیرگذار چه در محیط اجتماعی و چه در مورد محیط آموزشی ضروری می‌باشد. فاب (۱۹۹۷) ارتباط را یکی از عناصر ادبیات می‌داند. از نظر او با ایجاد کنش کلامی، هر گونه عملکرد ارتباطی با دامنه گسترده را می‌توان ایجاد کرد.

نقش‌گرایان که به جنبه‌های اجتماعی زبان در گفتمان اهمیت می‌دهند، معتقدند گفتمان باید به عنوان مطالعه زبان در کاربرد بررسی گردد یعنی مطالعه آنچه که افراد از طریق سخن و متن انجام می‌دهند. زبان نه تنها به بافت بلافصل گوینده-متن-مخاطب مربوط است، بلکه با بافت‌های گسترده‌تر تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که این کنش ارتباطی را محدود می‌کنند نیز ارتباط گسترده‌ای دارد. علاوه بر نقش‌هایی که واژگان، عبارات و ساختارهای جمله مانند در برقراری ارتباط ایفا می‌کنند، استدلال تحلیل‌گران گفتمان این است که زبان هم‌زمان هم منعکس کننده واقعیت است و هم واقعیت را می‌سازد؛ یعنی زبان در تولید و بازتولید واقعیت اجتماعی نقش دارد (ریچاردسون: ۲۵-۲۲).

سجودی (۱۳۸۷) معتقد است که متن محصول فرآیند گفتمان است و تجلی همان ساختمان‌های چند صدایی است که در دستور دیده می‌شود (برای مثال در ساختار جمله، پیام، مبادله و بازنمایی)، و چون تحقق امر معنایی در سطح بالاتری از رمزگان کار می‌کند، ممکن است در خود حاوی همه ناهمگنی‌ها، تعارضات و تقابل‌هایی باشد که در چنین نظام‌های معنایی دارای مرتبه بالاتر وجود دارد. وجود عناصر انسجام درون متنی مثل حروف ربط، حذف به قرینه، ضمائر موصولی، جانمایی، و تکرار و حشو ارتباط دستوری و ساختاری کلام را در بر دارد. احاطه کامل به موضوع، مطالعه دقیق، رفع شدن ابهامات قضیه و مطلب مورد نظر، قدرت تلفیق اطلاعات در انتقال درست موضوع و محتوی کلام تأثیر زیادی دارد. کشف معانی ضمنی قرآن و درک حقایق ماوراء الطبیعه با توجه به عوامل فرهنگی و بافتی امکانپذیر است. عدم داشتن دانش زبانی مشترک و

توانش ارتباطی و راهبردی در جوامع بین فرهنگی، منجر به تفسیر نادرست گفتار یا نوشتار به ویژه متن و گفتمان تخصصی کتاب مقدس (قرآن کریم) می‌شود که درک پیام‌ها و مفاهیم مورد نظر را برای مخاطب دشوار می‌سازد. از نظر عبدالرئوف (۲۰۰۵) در متن قرآنی پای‌بندی به معنای متن زبان مبدأ برای حفظ مقصود مورد نظر نویسنده، هدف متن و کاربرد تعاملی و ارتباطی آن ضروری می‌باشد. زیرا قابل فهم بودن متن زبان مبدأ برای خوانندگان زبان مقصد باعث مقبولیت متن زبان مقصد می‌گردد و هماهنگی با معیارهای دستوری زبان مقصد به انسجام و هماهنگی ساختاری آن می‌انجامد.

در زبان‌شناسی جدید شناخت بافت زبانی و فرا زبانی در حوزه مطالعات قرآنی برای تشخیص مفهوم واژگان و متن مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد معناشناختی، نقشی و بافتی به تفاسیر آیات قرآن کریم باعث آشنایی بیشتر با انسجام ساختاری و پیوستگی معنایی آموزه‌های قرآنی شود و آیات قرآن را به صورت بخش‌های بهم پیوسته یک کل نمایان ساخته است که با داشتن نظامی هدفمند و سازمان یافته سعی در کشف معانی نهفته این معجزه عظیم دارد. معناشناسی به ویژه در تفسیر موضوعی قرآن و با توجه به روابط معنایی مفاهیم مختلف نقش فراوانی دارد. مفاهیم زبان‌شناسی نقش‌گرا از قبیل اطلاعات کهنه و اطلاعات نو عناصر موضوعی و ترتیب و توالی کلمات تأثیر بسیاری در باب تحلیل گفتمان و کاربردشناسی داشته است. با تحلیل این قبیل عناصر اطلاعاتی از دیدگاه نحوی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی زبان دریاچه‌های جدیدی در باب این مطالعات گشوده شده است، که امروزه در بین زبان‌شناسان این نوع مطالعات با عنوان ارکان اصلی متن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

اطلاعات موضوعی نقطه شروع یا حرکتی است که مشخص می‌کند گوینده یا نویسنده در صدد بیان چه مطلبی است (هلیدی، ۱۹۹۴: ۳۸). در نظر هلیدی این نقطه شروع، مفهومی معنایی است و نقش این مفهوم معنایی یا اطلاعات موضوعی، انتقال پیام است که به لحاظ صوری در قالب یک بند دستوری بیان می‌شود. نقطه شروع می‌تواند فاعل جمله معلوم باشد، یا اینکه مفعولی باشد که در جمله مجهول جای فاعل را پر کرده است. در جملات مجهول، فاعل تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به جای پایین‌تری در جمله تنزل می‌یابد استعمال مکرر مجهول در زبان‌هایی که مقوله فعلی معلوم و مجهول دارند،

اغلب مسأله‌ای سبکی است. در زبان انگلیسی در متون خبری و تیترو روزنامه‌ها مجهول نقش کلامی عمده‌ای را ایفا می‌کند.

هنگامی که عبارت یا کلمه‌ای تحت تأثیر هر عامل گفتمانی یا ذهنی و روان‌شناختی، از جای معمول و متداول خود در یک توالی خطی خارج شده و به منتهی‌الیه سمت چپ برده شود آنچنان که در زبان انگلیسی که زبانی است تقریباً با توالی کلمات ثابت پیش می‌آید، عمل جابه‌جایی مبتدا ساز صورت می‌گیرد.

با تأکید بر توالی خاص کلمات بخش‌های مهم خبر خودنمایی می‌کند، چنانچه نقطه شروع خبر بخش مورد توجه آن است. پس برای ترجمه تیتروها بدون موضع‌گیری خاص باید به نقطه شروع در متن وفادار بود. در هر گفتمان نوشتاری، انگیزه‌هایی باعث ترغیب خواننده به خواندن متن می‌شوند. اما زمانی که ساختار معلوم متن مبدأ به مجهول ترجمه شود، کنشگر در متن مقصد حذف می‌شود و ناگفته می‌ماند و اما این کنش‌پذیر است که برجسته می‌شود.

به عبارت دیگر، ما همواره با متون در موقعیت و فرهنگ سر و کار داریم، و این متون نقشی خاص را ایفا می‌کنند. به علاوه هر متن نماینده یا نمونه‌ای از یک متن-گونه (یا ژانر) خاص است، و لذا متن به وسیله خصوصیات درون‌متنی و برون‌متنی خاصی تعریف می‌گردد که کمابیش قراردادی هستند و از نظر ترتیب ارائه اطلاعات، ساختارهای متنی، انتخاب‌های واژگانی و ساختارهای نحوی فوق‌العاده قراردادی می‌باشند.

### پیشینه پژوهش

با مروری بر پیشینه تحقیق مشخص می‌شود که مسأله انسجام در قرآن از دیرباز مورد توجه پژوهشگران مسلمان و غیر مسلمان بوده است. نظام ارزش‌ها، شناخت‌ها و باورها تأثیر بسزایی بر نظام رفتارها و هنجارها می‌گذارد. قرآن و حوزه‌های گسترده آن، زمینه را برای استفاده از روش‌های مختلف در مطالعات قرآنی فراهم می‌کند و راه‌های جدیدی پیش روی محققان و پژوهشگران قرآنی قرار می‌دهد. اینگونه به نظر می‌رسد تحقیقات اندکی پیرامون بررسی میزان تأثیر ساخت اطلاعاتی، مفروض و بافت فرازبانی در آیات قرآنی وجود داشته باشد. ساخت اطلاعاتی به چگونگی قرار گرفتن عناصر مختلف

جمله به منظور ایجاد معانی ضمنی و کاربرد شناختی مختلف اطلاق می‌شود. مخاطبان به عنوان پیش فرض یک ارتباط موفق، نیازمند دسترسی به پیش فرض‌هایی هستند که برای پردازش پاره گفتار ضروری است که بایستی در حیطه دانش مخاطب باشد. به زعم هلییدی و حسن (۱۳:۱۹۸۵) مفهوم انسجام متضمن روابط معنایی مهمی است که به واسطه آن‌ها هر عبارت گفتاری یا نوشتاری قابلیت ایفای نقش به منزله متن را پیدا می‌کند. طبقه بندی روابط انسجامی ارجاع به عناصر درون متنی و برون متنی، بر وجود اقلام زبان‌شناختی از قبیل ضمائر، جایگزین‌ها، حروف ربط و ربط دهنده‌ها تأکید دارند. گفته می‌شود بدون این عناصر، معنای مورد نظر متن به هیچ وجه انتقال نخواهد یافت. با این حال، متون بسیاری که این ارکان ارتباطی را در خود جای داده‌اند، همچنان ابهام معنایی دارند. حال آنکه از دیگر سو به متونی برمی‌خوریم که این عبارات انسجامی را ندارند، اما در عین حال دریافت کنندگان آن‌ها را می‌فهمند. من قرآن را نمونه‌ای کلی از متونی در نظر می‌گیریم که این ارکان ارتباطی را در خود جای داده است، اما همچنان ابهام معنایی دارد.

*العوی* (۷۲:۱۳۸۹) نقش نظریه انسجام و مناسبت را که از جمله رویکردهای تازه در مطالعات زبان‌شناختی متن، در متن قرآن بررسی کرد. انسجام، روابط صوری میان پاره‌های مختلف متن و مناسبت، روابط و ادات انسجامی را بررسی می‌کنند. از نظر او، انسجام، رابطه میان واحدهای زبانی (پاره گفته‌ها و اجزای متن) است و نظریه مناسبت، رابطه‌ای است که نه فقط بر اساس پاره گفته‌ها، بلکه بر اساس پیش تصورات، یعنی واحدهای اطلاعات یا اندیشه تعریف می‌شود. *العوی* این دو نظریه را با ذکر نمونه آیاتی از متن قرآن بررسی کرده و نتایج تحقیق حاکی از آن بود که ذکر این نظریه‌ها به معنای تأیید همه جانبه آن‌ها نیست، بلکه این زمینه را فراهم می‌آورند که الگویی برای شناخت و ادراک کارآمدتر آیات قرآنی فراهم نمایند.

مطالعه انسجام به روابط صوری میان پاره‌های مختلف متن به منزله اجزای مهم و اصلی متنیت توجه دارد. در این رویکرد، ادات انسجامی بررسی و به این نکته اشاره می‌شود که این ادات و کاربرد آن‌ها در متن تا چه حد معنای متن مورد نظر را مشخص می‌کنند. در برابر این دیدگاه، نظریه پردازان مناسبت، روابط و ادات انسجامی را فقط

نشانه‌ای سطحی از روابط مناسبت ژرف در نظر می‌گیرند. حسن (۱۹۸۴) برای اثبات انسجام و پیوستگی منسجم‌تر و کامل‌تری را با نام هماهنگی انسجامی متن مطرح کرده و اظهار می‌دارد که یافتن عوامل انسجام در یک متن در یک یا چند گره در آن، بیانگر انسجام آن نیست، بلکه باید این عناصر دارای انسجام در یک زنجیره قرار گیرند و با یکدیگر ارتباط متقابل داشته باشند تا باعث شکل‌گیری پیوستگی معنایی شود. پیوستگی غالباً در متون مربوط به تحلیل گفتمان بر دانش غیر زبانی شنونده دلالت دارد که بر اساس آن شنونده، متنی را تعبیر و تفسیر می‌کند. پیوستگی —ه ارتباط معنوی زیربنایی بخش‌های مختلف گفتمان و نیز جمله‌های تشکیل‌دهنده آن مربوط می‌شود و برای تحلیل پیوستگی هر متن، آشنایی با مقوله گذرایی و انواع فرایندهای آن ضروری به نظر می‌رسد.

پرینس (۱۹۸۱) با تحلیل متن، به رده بندی اطلاعات نو و کهنه پرداخت. او بر این باور است که در جملات تمام زبان‌ها نوعی عدم تناسب اطلاعی وجود دارد، به این معنی که بخش‌هایی از جمله نسبت به بخش‌های دیگر دارای اطلاعات جدیدتر یا کهنه‌تر باشند و دسته بندی اطلاعی جمله، اینکه چه بخشی را نو یا کهنه بدانیم، بر اساس فرضیات گوینده درباره میزان اطلاعات قبلی شنونده انجام می‌گیرد. او به درجه بندی از میزان آشنایی رویه‌های اسمی برای شنونده می‌پردازد. میزان آشنایی اصطلاحی معادل همان دانش مشترک میان گوینده و شنونده است. پرینس سه درجه میزان آشنایی را برای اسامی در نظر می‌گیرد: جدید، حدس زدن و مورد اشاره، که این اطلاعات می‌توانند بافت بنیاد یا شنونده بنیاد باشند. زمانی که نویسنده‌ای مطلبی را بیان می‌کند، مسائلی در ذهن او جریان یافته و پردازش می‌گردد. کلمات و عبارات مورد نظر خود را به طرز خاصی قرار می‌دهد، یعنی اطلاعات کهنه، اطلاعات نو که این بستگی به چگونگی پردازش آن در ذهن او دارد. وی در بررسی خود به این مهم دست یافت که یک متن باید به شکلی روان جریان پیدا کند و این روانی، متأثر از مسائل پردازش ذهنی و چگونگی همنشینی کلمات و عبارات در یک متن است. در یک ارتباط دو سویه برای گوینده هیچ اطلاع تازه‌ای وجود ندارد و او پیام خود را به لحاظ برجستگی موضوعی سازمان می‌دهد. برای مخاطب ساختار بی‌نشان پیام از آغاز به سمت کانون حرکت

می‌کند که در واقع همان اطلاع تازه است. حتی برخی از این زبان‌شناسان پس از تجزیه و تحلیل اولیه متون دریافتند که هر کدام از این عناصر می‌تواند دارای زیرمجموعه‌هایی باشد. در تجزیه متون انگلیسی عناصر اطلاعاتی می‌توانند فراتر از دو عنصر کهنه و نو باشند و برای هر کدام از این دو عنصر می‌توان چندین عنصر زیرمجموعه‌ای قائل شد. این نتیجه حاصل شد که هنگام پردازش متن، نویسندگان یا متکلمان یک زبان، به دلایل خاصی که در آن لحظه از پردازش کلام در ذهن می‌گذرد، عناصر فوق را به طریق خاصی کنار یکدیگر قرار می‌دهند. به عبارتی، این عناصر به طور تصادفی کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند بلکه این پردازش ذهنی می‌تواند به چندین شکل صوری و قالب دستوری در زبان متجلی گردد.

ون د/یک (۱۳۸۲) تعدادی از قالب‌ها یا ساخت‌های اطلاعاتی تشکیل دهنده متن از جمله توالی کلمات، مبتدا سازی، مجهول را در بخش کلام بررسی کرد. از نظر وی کاربرد گفتمانی زبان، تنها از مجموعه منظم و پیوسته از لغات، بندها، جملات و گزاره‌ها تشکیل نشده است؛ بلکه آرایش کلمات، سبک یا انسجام، در میان بسیاری از دیگر مشخصه‌های گفتمانی، به مثابه ساختارهای انتزاعی - قابل تجزیه و تحلیل است. استراتژی راهبردی کنشگران زبان در ایجاد انسجام در گفتمان و فرایندها و بازنمودهای ذهنی لازم برای تولید و درک گفتمان مورد نیاز می‌باشد.

گوت وینسکی (۱۹۷۶) در بررسی انسجام ساختاری و غیر ساختاری متون با توجه به عوامل انسجام دستوری و واژگانی به این نتیجه رسید که متون می‌توانند انسجام ضعیف‌تر و یا قوی‌تری داشته باشند؛ بر این اساس می‌توان گفت که هیچ متنی اگر متن باشد، بدون انسجام، وجود نخواهد داشت و بایستی ویژگی اصلی خود را که همان داشتن انسجام است، داشته باشد. بنابراین، ابزار اصلی برای تشخیص متن از غیر متن، به ویژه متن نوشتاری، انسجام و پیوستگی است. انسجام، رابطه معنایی است؛ اما همانند دیگر اجزای نظام معنایی از طریق نظام دستوری، واژگانی و پیوندی تحقق می‌یابد و شناسایی متن از غیر متن را میسر می‌سازد. با توجه به اهمیت مضامین کتاب مقدس قرآن برای هدایت انسان، ضرورت هر پژوهشی که در فهم آن مؤثر باشد روشن می‌گردد. محققان اسلامی در خلال بررسی سبکی قرآن به بررسی تصویر ذهنی و تصویرآفرینی آن

نیز پرداخته‌اند. سادات حسینی و همکاران (۱۳۹۰) به تحلیل نظریه نظم عبد/قاهر جرجانی در پرتوی رویکرد نقش‌گرای هلییدی شامل نظریه نظم و دستور نظام مند، نظریه نظم و بافت و نظریه انسجام متنی پرداختند. از یافته‌های این تحقیق می‌توان به تأثیر بافت زبانی و غیر زبانی و نقش ویژه آن در تبیین معنای متن و بار اطلاعاتی کلام از دید این نظریه پرداز اشاره کرد. از نظر جرجانی بافت موقعیت یکی از عناصر تشکیل دهنده منظومه زبانی سه گانه هلییدی می‌باشد و معنا از طریق پیوستن و ارتباط کلمات با یکدیگر حاصل می‌شود (۱۹۸۴: ۹۶).

سیدی (۱۳۸۷) از بررسی تصویر و مؤلفه‌های آن در قرآن به این نتیجه رسیده است که قرآن به عنوان متنی ادبی سرشار از رهنمودهای آموزشی و تربیتی است. در واقع تصویرسازی ذهنی نوعی بازنمایی از حقیقت آشکار است که در خدمت اهداف دینی و اخلاقی است. تصاویر قرآنی در چارچوب فضای کلی بافت سوره‌ها هماهنگ هستند و با برانگیختن حس و خیال انسان، به او در درک مفاهیم قرآنی از طریق عقل، قوه تخیل، احساس و عاطفه کمک شایانی می‌نماید.

فاروقی، آسوده و حقدادی (۱۳۹۳) انتقال معنی از طریق تصویرسازی ذهنی را در جزء سی‌ام قرآن کریم بررسی کردند. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن بود که تصویرسازی ذهنی به تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه محدود نمی‌شود بلکه از عناصر گوناگونی مانند موسیقی آیات تشکیل می‌شود تا تخیل آدمی را برانگیزد. چراکه از طریق تصویرسازی ذهنی می‌توان مفاهیم انتزاعی را عینی ساخت تا شفافیت آن برای مخاطب بیش‌تر شود. /ایشانی و قزوینی (۱۳۹۲) به بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با استفاده از رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا و به روش توصیفی - تحلیلی پرداختند. در این تحلیل، پس از آنکه واژگان و عبارات موجود در جملات ساده و مرکب با یکدیگر مقایسه شد. در مرحله بعد جملاتی که افعالشان بر اساس گذرایی در زبان‌شناسی نقش‌گرا فرایندهای مشترک داشتند در یک بخش قرار گرفتند. در مرحله نهایی انسجام و پیوستگی در متن این سوره به صورت کمی مورد سنجش قرار گرفت. با بکارگیری روشی علمی به این نتیجه رسیدند که مشخص شد که کاربرد این نظریه به منظور تأیید و تأکید است. این سوره با وجود داشتن تنوع مضمون و محتوا از انسجام و پیوستگی بالایی برخوردار است.



بنابراین با توجه به بررسی‌های انجام‌شده هیچ‌گونه شکافی بین زنجیره‌های متن مشاهده نشد.

تأثیر بافت برون زبانی به پیامد بافت برون زبانی منجر می‌شود، یعنی با پیش‌تصور بافت برون زبانی پیش‌تصور جدید یا عنصری اطلاعاتی پدید می‌آورد که می‌تواند نگرش شنونده را تقویت کند و تناسب کلام را در بر دارد. ساخت‌های اطلاعاتی جدید در صورتی مناسب‌اند که دامنه اطلاعات مخاطبان خود را افزایش دهند. هر قدر تأثیرات بافت برون زبانی پاره‌گفتاری بیشتر باشد، تناسب، کارآمدی و تأثیر بیشتر و پیامد بهتری در پی خواهد داشت. پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی نقش ساختار اطلاعاتی و استنباطی آیات قرآن و رفع پیچیدگی معنایی متون دینی با تکیه بر نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرا بپردازد. این پژوهش به منظور بررسی سبک زبانی و غیر بافتی و پیش‌زمینه فرهنگی خواننده زبان مقصد بر درک پیام زبان مبدأ انجام شده است تا چگونگی درک متون تخصصی دینی و مذهبی را با توجه به دلالت و معنای ضمنی و غیر صریح واژگان آن‌ها کشف نماید. این تحقیق در پی پاسخگویی به سؤالات ذیل است:

- ۱- آیا توالی اطلاعات کهنه و نو و ساختار موضوعی در درک فرازبانی تأثیر دارد؟
- ۲- در صورت تأثیر گذار بودن کدام مورد بیش‌تر دخیل است؟
- ۳- از نظر ساختاری توالی سازمان دهی شده اجزای کلام چه نقشی در تجزیه و تحلیل تعاملات دو جانبه (نویسنده - خواننده) دارد؟

### رویکرد نقش‌گرا و دستور نظام‌مند هلیدی

در معناشناسی نظری و معناشناسی کاربردی، بافت بخشی است که جملات در آن تولید می‌شوند. این جایگاه می‌تواند محیطی بیرون از زبان باشد یا متنی که به صورت مجموعه‌ای از جملات پیش و پس جمله مورد نظر می‌آید. هلیدی از جمله نخستین زبان‌شناسانی بود که کوشید از سطح جمله فراتر رود و به مفهوم متن و شکل‌گیری بافتار متن بپردازد. وی با عنایت به اندیشه بافتی فرث، به این امر قائل شد که تمام عناصر حول محور سیستم شکل می‌گیرند (مهاجر و نبوی، ۱۳۸۶: ۱۵). یکی از جلوه‌های جامعیت و انسجام نظریه نقش‌گرا، وارد کردن دستور به رویکرد نقشی است. این دستور

مبتهی بر اصل تعدد نقش‌های زبانی است، نقش‌هایی که بر کاربرد زبان تأکید دارد و در درون معنایی، واژی-دستوری و واجی تبیین می‌شود. از دیدگاه هلیدی زبان با واسطه‌گری شبکه معنایی جامعه شناختی با جامعه ارتباط عمیقی برقرار می‌کند که در قالب سه کارکرد نمایان می‌شود: ۱- کارکرد اندیشگانی (در غالب مفاهیمی همچون نگرش، فرایند و موقعیت نمود پیدا می‌کند)، ۲- کارکرد بینافرادی (اجتماعی با تأکید بر نمود، وجهیت، تجربه و ارزیابی، ۳- کارکرد متنی شامل مبتدا، خبر و انسجام می‌باشد. در این رویکرد ساختار موضوعی (آغاز و پایانه) و اطلاعاتی و کانون جایگاه ویژه‌ای دارند. از نظر هلیدی ساخت گفتمان به عنوان ساختی کاملاً زبانی با بافت موقعیت که ساختی غیر زبانی است به دست می‌آید. بافت زبانی حاصل کاربرد کلمه در داخل نظام جمله در هم‌نشینی با سایر کلمات و بافت موقعیتی معنایی معین و محدود است که در تعاملات اجتماعی سامان می‌یابد. از آنجا که جای بی نشان کانون در پایان واحد اطلاعاتی است، چون واحد بی نشان ساختار اطلاعاتی عبارت است از یک واحد اطلاعاتی، یک بند، شاهد نوعی رابطه افت و فرود در بند متعارف در زبان انگلیسی هستیم. حرکت رو به پایین از برجستگی اولیه موضوعی گرفتار حرکت اوج گیرنده به سوی برجستگی پایانی اطلاعاتی می‌شود. توجه کنید که چطور این افت و فرود باعث جنبش و پویایی هر پیام در جریان مبادله می‌شود (همان: ۳۱۶). در واقع حاصل این بحث این است که برجستگی موضوعی، گوینده [نویسنده] بنیاد است و برجستگی اطلاعاتی پیام، شنونده [خواننده] بنیاد است.

انتخاب کانون به این مربوط می‌شود که گوینده چه چیز را می‌خواهد به عنوان اطلاع نو مطرح کند. در گفتار اطلاع نو با برجستگی لحنی مشخص می‌شود و در حالت بی نشان این برجستگی لحنی روی آخرین عنصر واژگانی جمله یا هر واحد اطلاعاتی دیگر واقع می‌شود، هر چند ممکن است این برجستگی لحنی نشاندار باشد و روی هر عنصر دیگری واقع شود و آن را به عنوان اطلاع نو ارائه کند. در نوشتار اصل بر آن است که (الف) واحد اطلاعاتی یک بند است، مگر آنکه علائم سجاوندی آشکارا واحد دیگری را به عنوان واحد اطلاعاتی مشخص کرده باشد و (۲) کانون در پایان بند قرار می‌گیرد، مگر آنکه نشانه

مثبتی خلاف آن وجود داشته باشد، چه ناشی از انسجام واژگانی باشد (چون واژه تکراری کانون واقع نمی‌شود).

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱- ﴿لِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (الحجرات/ ۱۰)

«مؤمنان در حقیقت برادران همدیگرند»

کلمه‌های "الْمُؤْمِنُونَ" و "إِخْوَةٌ" هر دو اسم عام هستند با این تفاوت که اولی موضوع و دومی خبر با اطلاعات جدید و برجسته.

۲- ﴿وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ﴾ (هود/ ۶۷)

«فریاد کسانی را که ظلم کرده بودند، فرا می‌گیرد»

در این آیه که به روز جزا اشاره دارد، اسم فاعل "الصَّيْحَةَ" (فریاد با صدای مهیب) که به صورت مؤنث به کار رفته است، حاوی اطلاعات مفروض است. در صورتی که فعل آن "أَخَذَ" (گرفتن) مذکر است دارای اطلاعات جدید می‌باشد و اگرچه هیچ گونه تطابق جنس بین فعل و فاعل وجود ندارد. فاعل مؤنث با فعل مؤنث به کار می‌رود و فاعل مذکر با فعل مذکر. در این آیه از اسم مؤنث غیر واقعی و غیر حقیقی استفاده شده است.

۳- ﴿وَ إِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾ (حجرات/ ۹)

«اگر دو طایفه از مؤمنین با یکدیگر به نزاع و جنگ برخاستند، میان آن‌ها صلح و آشتی برقرار کنید»

در این آیه اسم فاعل "طَائِفَتَانِ" (دو گروه) به صورت مثنی به کار رفته است ولی فعل آن "اقْتَتَلُوا" (آن‌ها را بکشید) به صورت جمع به کار رفته است و فعل می‌بایست به صورت مثنی یعنی "اقْتَتَلتا" به کار رود. معنای زیرساختی فعل "اقْتَتَلُوا" ضمیر مستتر "هو" است که هم برای مثنی و هم برای اسم جمع به کار می‌رود. در این آیه، اسم فاعل حاوی اطلاعات مهم است که در ابتدای جمله آمده است و بعد از آن خبر می‌آید که در این بخش تکراری است.

۴- ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

يُنْفِقُونَ﴾ (البقرة/ ۲)

«این کتابی است که در حقانیت آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقوا پیشگان است. آنان که به غیب ایمان می‌آورند، نماز به پا می‌دارند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند»

در این آیه کریمه «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» علی‌رغم حضور در انتهای جمله در خود اطلاعات مهم و نو را حمل می‌کند که در آن مشخص می‌شود قرآن هدایت تقوا پیشگان است.

۵- «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهْمَا أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت/۵۳)

«به زودی شعله‌های خود را در افق‌های گوناگون و در دل‌های‌شان بدیشان نشان خواهیم داد تا برای‌شان روشن گردد که او خود حق است»

در این آیه، "سَنُرِي آيَاتِنَا" با خود اطلاعات جدید حمل می‌کند و خبر مهم آن را در بر دارد. این آیه حکایت از شعله ور شدن خشم خداوند بعد از دادن فرصت به کافران دارد. پروردگار متعال در این آیه اشاره به خشم خود بعد از اتمام مهلت به کافران دارد که حالت پریشانی، بیم و هراس را در آن‌ها می‌افکند و در آن هنگام دیگر جای هیچ گونه افسوس نیست.

۶- «إِن كَرَّمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنِ اللَّهُ عَلَيْهِمْ حَبِيرٌ» (الحجرات/۱۳)

«یقیناً بزرگوارترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست»

واژگان "اُكْرَمَ" و "اُتَّقَى" هر دو اسم عام و دربرگیرنده اطلاعات مهم و تازه در جمله است که نشان از این دو ویژگی برجسته نزد خداوند یکتا می‌دهد.

۷- «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ» (الروم/۲۰)

«و از آیات او این است که شما را از خاک آفرید»

جمله "خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ" نقش برجسته‌ای در انتقال پیام ضمنی خداوند به بندگان دارد. تصویرسازی طبیعت در قرآن به صحنه‌های طبیعی زندگی انسان جهت و حرکت می‌بخشد و بر احساس و وجدان آدمی تأثیرگذار است. زیرا میان انسان و طبیعت نوعی پیوستگی و انسجام وجود دارد.

۸- «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بِئْتَانًا» (العنكبوت/۴۱)

«مثل کسانی که غیر از خدا، اولیایی گرفتند، همچون مثل عنکبوت است که خانه‌ای اتخاذ می‌کند»

در این ساختار جمله مستقل "مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ" و جمله وابسته "كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا" حکم خبر مهم و اطلاعات جدید جمله است. در اینجا خداوند بزرگ به مشرکان اشاره دارد. در زمان جاهلیت، خودخواهی، غرور، خودپسندی، تعصبات و پای‌بندی به سنت‌های پیشینیان و نیاکان و ارزش‌های غلطی که در میان جوامع عرب رواج داشت.

۹- ﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ (البقرة/۱۳)

«و اینکه کسانی که به آخرت ایمان نیاورند برای آنان عذاب دردناکی مهیا کرده‌ایم» همانطور که از این آیه پیداست "الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ" حاوی اطلاعات مفروض و "أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا" خبر و اطلاعات جدید جمله هستند.

۱۰- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (الحجرات/۱۸)

«تنها خدا است که غیب آسمان‌ها و زمین را می‌داند و خدا به آنچه می‌کنید بینا است»

در این آیه، "اللَّهُ" اسم خاص و "مَا" ضمیر و "يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ" و "بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ" حامل خبر و اطلاعات اساسی جمله هستند.

۱۱- ﴿إِنَّ هُوَ الذِّكْرُ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ﴾ (یس/۶۹)

«این (سخن) جز اندرز و قرآنی روشن نیست»

ضمیر منفصل "هُوَ" مبدل جمله ما و "الذِّكْرُ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ" بخش اصلی و مهم جمله است که در اینجا برجسته شده است. این آیه برای عبرت گرفتن کافران از سرگذشت پیشینیان نازل شد.

۱۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا﴾ (الغافر/۲۱)

«ای ایمان آوردگان، به درگاه خدا توبه کنید، توبه‌ای از روی اخلاص که بازگشت به گناه در آن نباشد»

جمله "توبوا" مبدل منه و "توبَةً نَصُوحًا" گروه اسمی خاص است.

۱۳- ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (آل عمران/۱۹۱)

«همانا که خدا را در همه احوال ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند، و در آفریش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند»

در این آیه "يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ" اطلاعات مهمی را در بر دارد که به عبادت خداوند متعال می‌پردازند که نعمت‌های بیکرانی را در آسمان‌ها و زمین به بندگان ارزانی داشته است.

۱۴- ﴿ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ﴾ (بقره/۲۸۱)

«سپس برای هر نفسی به ازای آنچه به دست آورده، جبران می‌شود»  
در این آیه "كُلُّ نَفْسٍ" در نقش مبتدا آمده است و "ثُمَّ تُوَفَّىٰ مَّا كَسَبَتْ" در نقش خبر آن. این آیه نشان از عظمت و بزرگی و الطاف خداوند دارد که هیچ زحمت و تلاشی را بی نصیب و بی نتیجه نمی‌گذارد.

### نتیجه بحث

در مقاله حاضر سعی بر این بوده که با نگاهی دیگر به ترجمه، فراتر از بحث‌های روساختی مطرح در آن، به سایر سطوح دخیل در آن پرداخته شود و با بررسی بعضی از عناصر کلامی، از قبیل عناصر موضوعی، مبتدا سازی، مجهول از دیدگاه کلامی و تأثیر ارتباط آن‌ها بر روی آیاتی چند از قرآن کریم مورد ارزیابی قرار گیرد. هر چند این عناصر به طور عمده در ابتدای یک متن ظاهر می‌شوند اما نکته شایان توجه آن است که تمام عناصر یاد شده عمدتاً زیرمجموعه‌ای از هدف گفتمان اصلی متن هستند و این نظام گفتمانی غالب آن متن خاص است که بر چگونگی سطح روساختی آن تأثیرگذار بوده و آن‌ها را تعیین می‌کند.

اگرچه معنای بافتی، معنای واژگان و روابط درونی آن‌ها به درک معنای پیام منجر می‌شود، ولی در بسیاری از موارد عدم داشتن دانش زبانی مشترک و توانش ارتباطی و راهبردی در جوامع بین فرهنگی، منجر به تفسیر نادرست گفتار یا نوشتار به ویژه متن و گفتمان تخصصی کتاب مقدس (قرآن کریم) می‌شود که درک پیام‌ها و مفاهیم مورد نظر

را برای مخاطب دشوار می‌سازد. زیرا که به دلیل ضعف ارتباطی، پیشینه فرهنگی اندک در مورد زبان عربی و ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی جوامع عرب زبان، عادت به درک مطلب در زمینه‌های مختلف به واسطه بافت زبانی و نه غیر زبانی یا موقعیتی داشته‌اند.

از نظر ناظمیان و همکاران (۱۳۹۲)، عدم پیش فرض‌های بافتی به افزایش تلاش مخاطب برای پردازش متن می‌انجامد و در پی کاهش سطح مناسبت و ارتباط متن برای مخاطب، منجر به عدم دریافت متن از سوی وی می‌شود. در چنین شرایطی با ایجاد پیش فرض‌های لازم برای مخاطب مقصد تلاش پردازش را کاهش و سطح مناسبت متن را برای وی بالا ببرد.



## کتابنامه

الجرجانی، عبدالقاهر. ۱۹۸۴م، **دلائل الإعجاز، القراءة والتعلیق**: محمود محمد شاکر، القاهرة: مکتب الخانی بالقاهرة.

سجودی، فرزانه. ۱۳۸۷ش، **نشانه شناسی کاربردی**، چاپ اول، تهران: نشر علم.

مهاجر، مهران و محمدنوی. ۱۳۷۶ش، **به سوی زبان شناسی شعر رهیافتی نقش گرا**، تهران: نشر مرکز.

وندایک، تئون. ای. ۱۳۸۲ش، **مطالعاتی در تحلیل گفتمان؛ از دستور متن تا گفتمان کاوی**

**انتقادی**، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

## منابع انگلیسی

Abdul-Raof, H. (2005). Pragmalinguistic forms in cross-cultural communication: Contributions from Qur'an translation. *Intercultural Communication Studies*, 16 (4), 115-128.

Crystal, D. (1991). *A dictionary of linguistics and phonetics*. New York: Blackwell.

Fabb, N. (1997). *Linguistics and literature*. Oxford: Blackwell.

Gutwinski, W. (1976). *Cohesion in literary texts*. Paris: Mouton.

Halliday, M. A.K. (1989). *Spoken and written language*. GB: Oxford University Press.

Halliday, M. A.K. (1994). *An introduction to functional grammar*. GB: Oxford University Press.

Halliday, M. A.K., & Hassan, R. (1985). *Language, context, and text: aspect of language in a social semiotic perspective*. Oxford: Oxford University Press.

Halliday, M. A.K., & Hassan, R. (2002). *On grammar*. London and New York: Continuum.

Halliday, M. A.K., & Hassan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

Hasan, R. (1984). *Coherence and Cohesive Harmony*. In J. Flood (ed.), *Understanding reading comprehension*. Newark, Delaware: International Reading Association.

L. R. Horn, L. R. & Ward, G. (Eds.). (2016). *The Handbook of pragmatics* (pp. 607-632). Oxford: Blackwell.

Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago and London: University of Chicago Press.

Prince, E.F. (1991). On functional explanation of linguistics and the origins of language, *Language and Communication*, 11(1/2), 79-82.

Richardson, J. E. (2007). *Analyzing newspapers: An approach from critical discourse analysis*. New York: Palgrave Publishing.

## مقالات و پایان نامه‌ها

ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی قزوینی. ۱۳۹۲ش، «**بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با**

**رویکرد زبان شناسی نقش گرا**»، *مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره

۲۷، صص ۶۵-۹۵.



- سادات الحسینی، راضیه السادات. ۱۳۸۹ش، «دراسة فی جذور آراء نحاة البصرة علی ضوء المدارس اللغویة الشکلیة والوظیفیة»، جامعة العلامة الطباطبائی، طهران.
- العوی، سلوی. ۱۳۸۹ش، «مطالعه زبان شناختی روابط متنی در قرآن»، ترجمه ابوالفضل حری، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۴.
- فاروقی هندوالان، جلیل اله و زهرا آسوده و عبدالرحیم حقدادی. بهار ۱۳۹۳ش، «انتقال معنی از طریق تصویرسازی ذهنی در جزء سی ام قرآن کریم»، فصلنامه علمی نگارینه (هنر اسلامی)، ش ۱، صص ۵۹-۶۸.
- ناظمیان، رضا و حسام حاج مؤمن و محمد جمشید. ۱۳۹۲ش، «پیش فرض‌های بافتی و تلاش پردازش در ترجمه آیات بافت محور قرآن: دیدگاه نظریه مناسبت»، فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال سوم، شماره ۶، صص ۴۹-۶۶.

## Bibliography

- Al-Jorjani, Abdul Qahir 1984 AD, Evidence of Miracles, Reading and Commentary: Mahmoud Muhammad Shakir, Cairo: Al-Khani School in Cairo.
- Sujudi, Farzan. 2008, Applied Semiotics, First Edition, Tehran: Alam Publishing.
- Mohajer, Mehran and Mohammad Nabavi. 1997, Towards the Linguistics of Rhetorical Approach Poetry, Tehran: Markaz Publication.
- Wendike, Theon.I. 2003, Studies in Discourse Analysis; From Grammar to Critical Discourse Mining, translated by Pirooz Izadi et al., First Edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Center for Media Studies and Research

## English Refences

- Abdul-Raof, H. (2005). Pragma linguistic forms in cross-cultural communication: Contributions from Qur'an translation. *Intercultural Communication Studies*, 16 (4), 115-128.
- Crystal, D. (1991). *A dictionary of linguistics and phonetics*. New York: Blackwell.
- Fabb, N. (1997). *Linguistics and literature*. Oxford: Blackwell.
- Gutowski, W. (1976). *Cohesion in literary texts*. Paris: Mouton.
- Halliday, M. A.K. (1989). *Spoken and written language*. GB: Oxford University Press.
- Halliday, M. A.K. (1994). *An introduction to functional grammar*. GB: Oxford University Press.
- Halliday, M. A.K., & Hassan, R. (1985). *Language, context, and text: aspect of language in a social semiotic perspective*. Oxford: Oxford University Press.
- Halliday, M. A.K., & Hassan, R. (2002). *On grammar*. London and New York: Continuum.
- Halliday, M. A.K., & Hassan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Hasan, R. (1984). *Coherence and Cohesive Harmony*. In J. Flood (ed.), *Understanding reading comprehension*. Newark, Delaware: International Reading Association.
- L. R. Horn, L. R. & Ward, G. (Eds.). (2016). *The Handbook of pragmatics* (pp. 607-632). Oxford: Blackwell.

Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago and London: University of Chicago Press.

Prince, E.F. (1991). On functional explanation of linguistics and the origins of language, *Language and Communication*, 11(1/2), 79-82.

Richardson, J. E. (2007). *Analyzing newspapers: An approach from critical discourse analysis*. New York: Palgrave Publishing.

#### Articles and Thesis

Ishani, Tahereh and Masoumeh Nemati Qazvini. 2013, "Study of coherence and continuity in Saf Surah with a map-oriented linguistic approach", *Scientific-Research Journal of the Iranian Association of Arabic Language and Literature*, No. 27, pp. 65-95.

Sadat Al-Husseini, Razia Al-Sadat. 1389, "Studies in the Jaws of the Opinions of the Insight on the Formation of Formal and Duty Vocabulary Schools", *Tabatabai Scientific Society*, Tehran.

"Linguistic study of textual relations in the Qur'an", translated by Abolfazl Hori, *Quarterly Journal of Quranic Research*, No. 64.

Farooqi Handwala, Jalilullah and Zahra Asoudeh and Abdul Rahim Haghadi. Spring 2014, "Transfer of meaning through mental imagery in the thirtieth part of the Holy Quran", *Negarineh Scientific Quarterly (Islamic Art)*, Vol. 1, pp. 59-68.

Nazemian, Reza and Hesam Haj Mo'men and Mohammad Jamshid. 2013, "Textual Assumptions and Processing Efforts in Translating Textual Oriented Verses of the Qur'an: The Perspective of Appropriateness Theory", *Quarterly Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, Year 3, No. 6, pp. 49-66



## **Constructing Hypothetical and Inferential Information in Holy Quran from Approach of a Systematic Linguistics' Viewpoint**

Bahman Gorjian: Associate, Professor, Faculty of Linguistics, Islamic Azad University, Abadan Branch

Farangis Abbas Zadeh: PhD Candidate, Faculty of Linguistics, Islamic Azad University, Abadan Branch

### **Abstract**

The existence of three historical, comparative and interdisciplinary features in modern linguistics accelerates its development, change and evolution. Language conveys the informational role and content structure of each word. The role of communication dependence Sentences that are identified according to their discourse role and contextual effects are essential for understanding the message. The purpose of the present study is to investigate the informational and thematic construction of several verses of the Holy Quran following the systematic theory of *Halliday* (1994) which has been done in a descriptive-analytical method using trustable sources (Holy Quran) to study the effect of structural and semantic coherence of Quranic verses. The results indicate that the change in the conceptual and semantic aspect of the structure depends on the information construction of the discourse and its communication elements, which is reinforced by changing the type of possible structure; and these changes take the right shape with linguistic and stylistic tools.

**Keywords:** functional linguistic, informative structure, communicational channel, written discourse.